

غزه: نقطه اوج یک برنامه حذف‌گرایانه ۱۲۵ ساله

نسل‌کشی در غزه از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز نشد و واکنشی به یک عمل خشونت‌آمیز منفرد هم نیست. این نقطه اوج ۱۲۵ سال پروژه سیاسی است که با هدفی آشکارا حذف‌گرایانه طراحی شده بود: تصاحب سرزمین فلسطین، محو مردم بومی آن و جایگزینی آنها با جمعیت مهاجر. برخلاف گفتمان «بازپس‌گیری» که توسط نژادپرستان در اروپا استفاده می‌شود - که دست‌کم ادعای پیوندهای اجدادی دارند - این یک بازفتح نیست. این فتحی است توسط بیگانگان، که بر انکار وجود مردمی که قصد جابجایی آنها را دارند بنا شده است.

از نخستین کنگره صهیونیستی در سال ۱۸۹۷ تا اظهارات رهبران اسرائیلی در طول نسل‌ها - گلدا مایر که ادعا می‌کرد «چیزی به نام مردم فلسطینی وجود ندارد»، یوسف ویتز که اصرار داشت «تنها راه‌حل، فلسطینی بدون عرب است»، رافائل ایتان که فلسطینی‌ها را «سوسک‌هایی در بطری» نامید - هسته ایدئولوژیک هرگز تغییر نکرده است. هدف همیشه ارض اسرائیل کامل بوده است، «سرزمین کامل اسرائیل»، از رودخانه تا دریا، خالی از جمعیت بومی آن.

عدم تقارن در میدان: جنگی فقط به نام

اسرائیل اقدامات خود در غزه را به عنوان «جنگ» معرفی می‌کند، اما این تحریفی است. جنگ، طبق قوانین بین‌المللی، فرض می‌کند که درگیری بین دو نیروی نظامی نسبتاً قابل مقایسه باشد. غزه هیچ‌کدام از این‌ها را ندارد. آنچه در جریان است، نبرد نیست، بلکه حمله یک‌جانبه از سوی یکی از پیشرفته‌ترین ارتش‌های جهان - با پشتیبانی ایالات متحده، بریتانیا و آلمان - علیه جمعیتی غیرنظامی تحت محاصره است.

از ۳ مارس ۲۰۲۵، اسرائیل یک محاصره کامل بر غزه تحمیل کرده است: بدون غذا، بدون آب، بدون دارو، بدون سوخت. طبقه‌بندی یکپارچه امنیت غذایی (IPC) یک قحطی مرحله ۵ - فاجعه‌بارترین سطح - را اعلام کرده است، با کودکانی که روزانه از گرسنگی می‌میرند. بیمارستان‌ها ویران شده‌اند، ۹۰ درصد خانه‌ها تخریب شده‌اند و بیش از ۶۰,۰۰۰ فلسطینی از اکتبر ۲۰۲۳ کشته شده‌اند، که اکثر آنها زنان و کودکان هستند.

این تناسب نیست؛ این نابودی است - نقض مستقیم کنوانسیون‌های ژنو که مجازات جمعی، هدف قرار دادن غیرنظامیان و استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح جنگی را ممنوع می‌کند.

عدم تقارن در روایت: کنترل داستان

کشتارها با جنگ علیه حقیقت همراه است. واحد اطلاعات نظامی اسرائیل ۸۲۰۰، گروه‌های لابی غربی مانند AIPAC، ADL، UN Watch و AJC، و نگهبانان رسانه‌ای مانند ویراستاران قدیمی خاورمیانه بی‌بی‌سی، دهه‌ها روایت را شکل داده‌اند.

روزنامه‌نگاران در غزه صرفاً قربانیان جانبی نیستند - آنها به طور سیستماتیک هدف قرار می‌گیرند. از اکتبر ۲۰۲۳، دست‌کم ۲۴۲ نفر کشته شده‌اند، که بالاترین نرخ مرگ‌ومیر روزنامه‌نگاران در تاریخ ثبت‌شده است. با جلوگیری گسترده از ورود رسانه‌های خارجی به غزه، اسرائیل لنزی را که جهان خارج از طریق آن ویرانی را می‌بیند، کنترل می‌کند. آمارهای منابع

فلسطینی به عنوان «پروپاگاندای حماس» رد می‌شوند، در حالی که اظهارات ارتش اسرائیل به عنوان واقعیت گزارش می‌شوند، و این تعادل کاذبی ایجاد می‌کند که مقیاس و نیت قتل عام را محو می‌کند.

حادثه هندالا در ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵ نمادین است. یک کشتی کمک‌های بشردوستانه با پرچم نروژ، که حامل پزشکان، نمایندگان پارلمان، روزنامه‌نگاران و شیرخشک برای کودکان گرسنه بود، در آب‌های بین‌المللی توسط نیروهای اسرائیلی ربوده شد - عملی آشکار از دزدی دریایی دولتی تحت ماده ۱۰۱ کنوانسیون حقوق دریاها سازمان ملل. کمک‌ها ضبط شد، مسافران بازداشت شدند و قحطی ادامه یافت. این درباره امنیت نبود. درباره ساکت کردن شاهدان و اطمینان از ادامه بدون وقفه محاصره بود.

عدم تقارن در نهادها: سپر مصونیت

حتی سیستم حقوقی بین‌المللی - که برای مهار چنین جنایاتی طراحی شده - تضعیف شده است. ایالات متحده از قدرت وتوی خود در شورای امنیت سازمان ملل استفاده می‌کند تا تقریباً هر قطعنامه‌ای که اسرائیل را محکوم می‌کند، مسدود کند، و این نهاد را فلج کرده و اسرائیل را از تحریم‌ها یا اجرای قانون محافظت می‌کند.

این حفاظت نهادی با تسلط سیاسی آشکار تقویت می‌شود. در ۶ نوامبر ۲۰۲۴، AIPAC در رسانه‌های اجتماعی به خود بالید که ۱۹۰ نفر از کاندیداهای مورد حمایت خود در انتخابات کنگره آمریکا - چه دموکرات‌ها و چه جمهوری‌خواهان - پیروز شده‌اند تا «حمایت دوحزبی از روابط ایالات متحده و اسرائیل را تقویت کنند». این یک نظریه توطئه نیست؛ این یک سابقه عمومی است که توسط خود لابی جشن گرفته شده است. نتیجه، کنگره‌ای است که به طور معمول میلیاردها دلار کمک نظامی را تصویب می‌کند، احکام دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) را نادیده می‌گیرد و از اجرای حتی ابتدایی‌ترین شرایط حقوق بین‌الملل بر اسرائیل خودداری می‌کند.

دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) و دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) اقدامات موقتی صادر کرده‌اند که به اسرائیل دستور می‌دهند اجازه ورود کمک‌های بشردوستانه به غزه را بدهد. اسرائیل بدون هیچ عواقبی آنها را نادیده گرفته است. دادستان ICC، کریم خان، با یک کمپین بدنام‌سازی مواجه شد و مجبور به مرخصی شد؛ معاونان او دستورات بازداشت برای رهبران اسرائیلی پشت محاصره کنونی را پیگیری نکرده‌اند. چندین قاضی ICC و مقامات سازمان ملل که از اسرائیل انتقاد کرده‌اند، توسط ایالات متحده تحریم شده‌اند. این شکست سیستم نیست - این خود سیستم است، که برای محافظت از یک دولت از پاسخگویی خم شده است.

از انکار کلامی به محو فیزیکی

برای بیش از یک قرن، رهبران صهیونیستی انکار کلامی وجود فلسطینی‌ها را با محو فیزیکی در میدان جفت کرده‌اند. شعارها ممکن است تغییر کرده باشند - از «سرزمینی بدون مردم برای مردمی بدون سرزمین» تا «اسرائیل حق دفاع از خود را دارد» - اما هدف تغییر نکرده است. هر جنگ، قتل عام و جابجایی، تکه دیگری از زمین گرفته شده، گامی دیگر به سوی فلسطینی بدون فلسطینی‌ها بوده است.

از ترور یاکوب اسرائیل دو هان در سال ۱۹۲۴ به دلیل مخالفت با صهیونیسم، تا قتل عام دیر یاسین در سال ۱۹۴۸، قتل عام صبرا و شتیلا در سال ۱۹۸۲، تخریب فرودگاه غزه در سال ۲۰۰۱، و حملات گسترده مکرر به غزه در قرن بیست و

یکم، اسرائیل نشان داده است که از هر و همه ابزارها - تروریسم، پاکسازی قومی، جنگ محاصره - برای تحقق جاه‌طلبی‌های سرزمینی خود استفاده خواهد کرد.

نتیجه‌گیری: بازی نهایی در غزه

آنچه امروز در غزه رخ می‌دهد، انحرافی از تاریخ اسرائیل نیست - این نتیجه منطقی آن است. برنامه حذف‌گرایانه که در بازل در سال ۱۸۹۷ طراحی شد، از طریق دهه‌ها گفتمان غیرانسانی و خشونت سیستمیک حفظ شده و به جسورانه‌ترین مرحله خود رسیده است.

غزه میدان جنگ نیست. این یک آزمایش است برای اینکه آیا یک دولت می‌تواند نسل‌کشی را در مقابل دیدگان جهان انجام دهد و با هیچ پیامد واقعی مواجه نشود - نه به این دلیل که شواهد کم است، بلکه به این دلیل که روایت‌ها را ربوده، نهادها را فلج کرده و وفاداری قدرتمندترین قانون‌گذاری روی زمین را تضمین کرده است.

اگر جهان اجازه دهد این ادامه یابد، پیام روشن است: حقوق بین‌الملل اختیاری است، حقوق بشر قابل مذاکره است، و نسل‌کشی می‌تواند به عنوان دفاع از خود بازنمایی شود - به شرطی که دوستان مناسب در مکان‌های مناسب داشته باشید.